




COMSTECH Inter-Islamic Network  
on Virtual Universities

Holding time: March 2021  
Avicenna International Community College LLC  
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

## تأثیر هنر اسلامی بر هنر تمدن هند

رامونا غلامرضا شیرازی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

### چکیده

اسلام از طریق ایران وارد سرزمین هند شد و با تمدن بزرگی مواجه گردید، به نام هندوئیسم، این دو آیین تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر هم نهادند. هدف از این پژوهش شناخت تأثیراتی است که هنر اسلامی بر هنر تمدن هند گذاشته است. از آنجایی که تا کنون به بررسی ارتباط بین هنر اسلامی بر هنر تمدن هند پرداخته نشده، ضروری است تا با مطالعه موردی آثار و بررسی ابعاد هنری آن‌ها به این موضوع نگاهی تازه نمود. پژوهش حاضر به کمک منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی و برای گردآوری اطلاعات از تکنیک کتابخانه‌ای استفاده شده. نتیجه حاصل حاکی از این امر است که هنر و آیین اسلام از طریق ایران و با ویژگی‌های مختص به این کشور وارد تمدن هند شده و المان‌های معماری و نقاشی این سرزمین را تحت تأثیر خود قرار داده است.

**واژه‌های کلیدی:** هنر اسلامی، هند، تمدن هند، هنر هندو



## مقدمه

ظهور اسلام و ورود آن به ایران، تاریخ نوینی را در این سرزمین رقم زد و به ویژه در بُعد هنر و معماری، سبک‌ها و به تبع آن آثاری را آفرید که تمامی اقصا نقاط جهان را درنوردید. در این میان ارتباط میان ایران و هند بالأخص پس از ورود اسلام به آن سرزمین، وارد مرحله جدیدی شد و همان تأثیر و تأثر متقابل، در ابعاد گسترده تری ادامه یافت. معماری ایران و هند میراث مشترک دارند و آن هنر و معماری، دوره تیموری، است؛ اما بدین دلیل که معماری تیموری نیز اصالتاً یک معماری ایرانی بود، محققان تردیدی ندارند که حضور بارز هنر ایرانی در هند به ویژه پس از اقامت یکی از سلاطین مسلمانان هند (همایون) در ایران و به همراه بردن هنرمندان ایرانی به آن دیار توسط این سلطان، هویت هنر و معماری اسلامی - ایرانی را رقم زد. در بررسی میان آثار و بناهای دو تمدن بزرگ هند و ایران به نقاط مشترک فراوانی بر می‌خوریم، بین دو تمدن هخامنشی و موریای هند، بین حکومت پارتیان ایران و به وجود آمدن سبک یونانی - بودایی در هند و نیز سبک ماتورای هندی و همچنین بین دو حکومت ساسانی در ایران و عصر گوپتا که منجر به زایش سبک ایرانی - بودایی شد. جدای از این تمدن‌ها که تأثیرات شگرفی بر یدیگر نهادند. با آغاز اسلام در ایران و تشکیل اولین حکومت‌های اسلامی در هند این تأثیرات هر چند بیشتر شد، چنان که برخی از محققین معتقدند در مشرب عرفان و تأثیرپذیری عرفای ایرانی از مکتب عرفانی - هندی می‌توان مکتب و جهان بینی هند را تأثیر گذار دانست. از دلایل این نکته می‌توان به نزدیکی جغرافیایی شمال شرق ایران که یکی از مراکز اصلی مکتب عرفانی ایرانی است با سرزمین هند دانست، با شخصیت‌های چون بایزید بسطامی که از همین منطقه است. ظهور اسلام و ورود آن به ایران، تاریخ نوینی را در این سرزمین رقم زد و به ویژه در بُعد هنر و معماری، سبک‌هایی را آفرید که تمامی اقصی نقاط جهان با آن آشنا شدند. در این میان ارتباط میان ایران و هند به خصوص پس از ورود اسلام به آن سرزمین، وارد باب جدید شد و همان تأثیر و تأثر متقابل، در ابعاد گسترده تری ادامه یافت. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ گویی به این سوال است که هنر اسلامی چه تأثیری بر هنر تمدن هند گذاشته است؟

## شکوفایی هنر اسلامی

یکی از اندیشمندان غربی، شکوفایی هنر اسلامی را بر اثر کشورگشایی مسلمانان و برخورد با تمدن دیگر ملت‌ها می‌داند و می‌نویسد: «داستان هنر اسلامی، با چکاچک شمشیر و آوای ستم ستوران در بیابان‌ها و بانگ بلند پیروزی الله اکبر آغاز می‌شود.» (پرایس، ۱۳۶۴: ۵) البته گوستاولوبون<sup>۱</sup>، تاریخ نگار برجسته فرانسوی، این دیدگاه را مخدوش می‌داند و می‌نویسد: «مشرق دارای فرهنگ و تمدن ریشه‌ای بوده و اعراب، مردمانی آشنا به تمدن بوده‌اند.» (لوبون، ۱۳۸۲: ۸۳) بدون تردید، آموزه

<sup>1</sup> Gustavo Lobo



های قرآن و سخنان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در تمجید از دانشمندان و هنرمندان و تشویق مردم به آموختن علم فن، در شکوفایی تمدن اعراب و ظهور هنرهای گوناگون میان مسلمانان نقش اساسی داشته است.

## هنر اسلامی

هنر اسلامی یا هنرهای مسلمانان به بخشی از هنر اطلاق می شود که در جامعه مسلمانان و نه لزوماً توسط مسلمانان رواج داشته است. هر چند ممکن است این هنرها در مواردی با تعالیم و شریعت اسلام انطباق نداشته باشد ولی تأثیر فرهنگ اسلامی و منطقه ای در آن به خوبی نمایان است. هنر اسلامی یکی از دوران های شکوهمند تاریخ هنر و یکی از ارزشمندترین دستاوردهای بشری در عرصه هنری به شمار می آید و شامل انواع متنوعی از هنر همچون معماری، خوشنویسی، نقاشی، سرامیک و مانند آن ها می شود. هنر اسلامی هنری نیست که فقط به آیین اسلام ارتباط داشته باشد. اصطلاح «اسلامی» نه تنها به مذهب، بلکه به فرهنگ غنی و متنوع مردمانی که در سرزمین هایی که آیین اسلام در آن رواج دارد نیز اشاره می کند. هنر اسلامی غالباً عناصری سکولار را که توسط برخی از علمای اسلامی حرام شمرده نشده را نیز در برمی گیرد. (دیویس، ۲۰۰۷: ۲۷۷) همچنین به آن دسته از مفاهیم و موارد هنری که در درون جوامع

اسلامی تحت تأثیر عوامل منطقه ای و فرهنگ بومی به وجود آمده است نیز هنر اسلامی گفته می شود. ظهور هنر اسلامی از دل دین و دولت جدید به صورت تدریجی و گام به گام نبوده، بلکه همچون ظهور خود دین اسلام و حکومت اسلامی، روندی پرشتاب و ناگهانی داشت. عمده آنچه بر شکل گیری و تزئین بناهای صدر اسلام تأثیر گذاشت ویژه مسلمانان بود و این تأثیرات در خدمت اهدافی قرار گرفت که پیش از اسلام به آن شکل به صورت وجود نداشت. هنر اسلامی برای گسترش خود از منابع بسیاری الهام گرفت: هنر رومی، هنر اولیه مسیحی، و هنر بیزانس در هنر معماری اسلامی اولیه مؤثر بودند؛ نفوذ هنر ساسانی از ایران پیش از اسلام، اهمیت بیشتری داشت؛ بعدها روش های و عناصر مختلفی از هنر آسیای مرکزی و هنر چین طی تاخت و تازهای چادر نشینان مغول اثر مهمی در نقاشی اسلامی، سفالگری، و منسوجات برجای گذاشت. در میان آیات قرآن یا تعالیم مشخص پیامبر اسلام به موارد کمی درباره هنر بر می خوریم. بازنمایی تصویری موجودات زنده در قرآن به صراحت منع نشده با این وجود بسیاری از مسلمانان ترسیم چهره ها و موجودات زنده را خطری به سوی بت پرستی به شمار می آوردند و گناه می دانستند؛ بنابراین هنر اسلامی اغلب بر خلق زیبایی با نقوش انتزاعی و استفاده از حروف، متمرکز بوده است (اسکیمل<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲:

۱) و به دلیل محدودیت نسبی سایر هنرها همچون نقاشی، مجسمه

سازی، موسیقی، و حتی گاهی، حرام شمردن آن ها (شیخ صدوق، ۱۳۷۲: ۵) مسلمانان به توسعه سبک های مختلف در زمینه های انتزاعی سوق داده شدند. عمده مسلمانان تصویرگری چهره پیامبر اسلام را مردود می شمردند و حتی گاهی تصویرگری

<sup>2</sup> Schimmel



جانداران و انسان نیز مورد قبول بخشی از مسلمانان نبود. با این وجود همواره در سرزمین های اسلامی تصاویری از انسان و موجودات زنده دیگر نقش می شد و به مواردی از تصویرسازی چهره پیامبر نیز بر می خوریم. (ویجدان، ۱۹۹۹: ۱۳) افزون بر منع تصویرسازی چهره پیامبر، مفهوم و تصویر ذهنی خداوند به صورتی که در آیین هندو و مسیحیت رایج است در اسلام مرسوم نبود. این همه به علاوه دلایل اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی و رقابت با تمدن های دیگر موجب شد تا هنرمندان و هنرپروان در سراسر سرزمین های اسلامی به اشکالی از هنرهای انتزاعی مانند خوشنویسی، نقوش هندسی یا اسلیمی و معماری توجه ویژه داشته باشند. (باربارا<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵)

در هنر اسلامی به عناصر تکرار شونده زیادی بر می خوریم مانند استفاده از طرح های هندسی و یا ترسیمی غیر واقعگرایانه از گل و گیاه که به اسلیمی معروفند. نقوش اسلیمی در هنر اسلامی اغلب به عنوان نمادی از طبیعت بیکرانی به کار می رود که مخلوق خداست. هر چند این نظریه مورد قبول همگان نیست اما تعمد در عدم بازنمایی و تقلید دقیق طبیعت را معمولاً به عنوان نشانی از فروتنی هنرمندان دانسته اند که معتقد بودند ایجاد کمال تنها خاص خداوند است. (تامسون، ۲۰۰۹)

## هنر و تمدن هند

هنر و تمدن هند ناحیه ی وسیعی را در بر می گیرد که شامل کشورهای هندوستان - پاکستان - نپال - بوتان - بنگلادش - سری لانکا و بخشی از افغانستان است. بین هند و ایران به عنوان یکی از همسایگان قدرتمند غربی این کشور از سال های دور روابط بی شماری وجود داشته است. اشتراکات از اوستا (کتاب دینی کهن ایرانیان) و وادها (کتاب مقدس هندوان) به وجود اصول مشترک گواهی می دهد. به خصوص این ارتباط از زمان ورود آریاییان در هند ملموس تر است.

هنر و تمدن هند به سه دوره تقسیم می شود:

۱. پیش از آریایی (دراویدی)

۲. دوره ی آریایی

۳. دوره ی اسلامی

## پیش از آریایی (نخستین دوران هنر هندی)

بر اساس اکتشافات قرن بیستم، در شبه قاره ی هند، یکی از قدیمی ترین تمدن های بشر با قدمت ۴۵۰۰ ساله کشف می شود. این اکتشافات که در دو شهر مهم «موهنجودارو» و «هاراپا» انجام گردید وجود تمدن بسیار قدیمی تر از دوران آریایی که تا قبل از این به عنوان اولین تمدن هند شمرده می شود را به جهان معرفی می کند. بقایای معماری موهنجودارو حکایت از تأسیس

<sup>3</sup> Barbara




COMSTECH Inter-Islamic Network  
on Virtual Universities

Holding time: March 2021  
Avicenna International Community College LLC  
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

یک مرکز بزرگ تجاری با شهر سازی پیشرفته و خیابان های شمالی، جنوبی - خانه های چند طبقه - انبارهای غله - استخرهای وسیع و شبکه های پیشرفته فاضلاب دارد. جدای از این مراکز اخیراً مناطق دیگری مثل راجستان در هند و کراچی در پاکستان نیز به خاطر وجود آثار پیش از آریایی به این مراکز افزوده شده است. آثار هنری، برخی از آثار کشف شده ی هنری از تمدن دره ی سند حکایت از بازتاب بین النهرین در این تمدن دارد ولی برخی دیگر نشان دهنده ی یک سنت کاملاً هندی است. از نمونه ی آثار حجمی، پیکره ی نیم تنه ای از «هاراپا» مربوط به هزاره ی سوم تا دوم ق.م است که پیکر یک مرد برهنه را نشان می دهد و در ارتباط یادآور مجسمه های یونانی است ولیکن خاصیت سیال گونه ی بدن و تأکید بر سطوح جسمانی، از ویژگی های پیکره های هندی است. (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۲) از نمونه های دیگر مجسمه ی «کاهن شاه» از «موهنجودارو» مربوط به ۲۰۰۰ تا ۱۷۵۰ ق.م ساخته شده از سنگ صابون (استاتیت) است که در این مجسمه نیز ویژگی های هنر هندی مشهود است. (همان) تعداد زیادی مهر کنده کاری شده بر روی سنگ صابون (استاتیت) از موهنجودارو به دست آمده که تداخل عناصر هنری هند و بین النهرین را به نمایش می گذارد و پیدا شدن یکی از همین مهرها در بین النهرین تخمین قدمت این آثار را راحت تر نموده است. نقش این مهرها عبارتند از نقوش حیواناتی نظیر گاو کوهان دار برهنه - گاو آبی - کرگدن و فیل به علاوه بعضاً نقوش انسانی و درختان به عنوان اشیایی مورد پرستش. همین طور نقوشی که به عنوان اولین خطوط تصویری ما قبل هندی از آنها نام می برند. نقش انسان نشسته (با سر سه رخ) به حالت یوگا - نقش نیزه ی سه شاخه بالای سر انسان و نقوشی از این قبیل نشان از تأثیر آن بر سنت های ۲ هزار سال بعد آیین بودایی و هندویی دارد. در حدود اواسط هزاره ی دوم ق.م به خاطر مسائل طبیعی و ناسازگاری طبیعت، تمدن باستانی هند رو به زوال می رود. در همین اعصار شاهد کوچ اقوام آریایی به مناطق آسیای میانه هستیم و عده ای از آن ها به هند مهاجرت کرده و بعدها با به خدمت گرفتند «دراویدی ها» و تسلط بر آن ها تمدن باشکوهی را در این کشور تشکیل می دهند.

### هنر هند در دوره ی آریایی

مجسمه سازی، آریایی ها در هنگام مهاجرت به هند اقوامی کوچ نشین و قبیله ای بودند، و به خاطر عدم تمرکز در نقطه ای ثابت هنر و معماری قابل توجهی نداشتند و اولین نمونه های به دست آمده از هنر آریایی مربوط به زمان ظهور بودا (۵۶۶ تا ۴۸۶ ق.م) است. در طی سده ی ششم ق.م دو دین بزرگ در هند پدید آمدند. یکی آیین بودایی که تأثیر عمیقی بر فرهنگ و



هنر هند (در قرن ۳ ق.م تا ۷ م) گذاشت و دیگر برهمنی که هر چند نفوذی مثل بودا نداشت ولی تا امروز طرفدارانی را در هند دارد. اولین نشانه های تأثیر آیین بودا بر هنر را در دوران حکومت امپراطور «آشوکا» (۲۳۲ - ۲۷۳ ق.م) مشاهده می کنیم. از مهم ترین این آثار ستون های یادبود سنگی و حجاری هایی است که بی شباهت به حجاری های هخامنشیان نیست. یکی از آن ها سرستون «آشوکا» در شهر «سرنات» است که زیر نظر حجاران هخامنشی و به دست هنرمندان محلی ساخته شده است (مربوط به قرن سوم ق.م) همه ی شکل های کنده شده بر این ستون تمثیلی هستند مانند «چرخ» به تمثیل دور زندگی و مرگ و تولد دوباره، که البته معانی دیگری نیز دارد که در اینجا پیام آور پیام بودا درباره ی «چرخاندن چرخ قانون» است. نقش چهار شیر به تمثیل چهار ربع دایره و نقوش حیوانات که نشان گر بودا هستند. تصویر بودا تا قرن ها به صورت نمادین اجرا می شد اما در پایان سده ی نخست میلادی هم زمان در «قندهار» (تصویر ۷) و «ماتهورا» (تصویر ۸) ناگهان او را با قیافه ای انسان گونه مجسم کردند. علت را باید تا حدودی در گسترش جنبش بودایی و ایجاد فرقه های مختلف در این آیین جستجو نمود که در طی سده های نخست میلادی دو فلسفه ی متضاد از بطن آن ها بیرون آمد و ماحصل تفکر مؤمنان متجددتر بوده که برای بودا شخصیتی خدایی قائل شدند و انبوهی از خدایان (بودیساتواها) را برایش در نظر گرفتند. پس از حمله ی اسکندر در سال ۳۷۲ ق.م شاهد نفوذ هنر هلنیستی در فرهنگ و هنر هند هستیم که ماحصل آن ساخت مجسمه هایی از بودا به شیوه های غربی است. (حسینی، ۱۳۸۸: ۳۳)

هم زمان با این جنبش، روش های سنتی ساخت مجسمه که در «ماتهورا» مرسوم بود نیز انجام می شد که در نهایت در قرن سوم میلادی از تلفیق این دو شیوه، روش تازه ای برای ساخت مجسمه ها ایجاد شده که الگویی برای مجسمه سازان چینی قرار می گیرد. ولی در قرن پنجم میلادی مجسمه ای از «سرنات» به دست آمده که دو خصوصیت ایده آلیسم و آرمانگرایی بودا و شهوت انگیزی و کیفیت جسمانی هندی را یک جا نشان می دهد. کیفیت آرمانی در چهره و کیفیت جسمانی در لباس تنگ مجسمه به طور کلی می توان پیکر سازی در هند را با تأثیرات بین النهرین، یونان و هنر بومی هند مورد بررسی قرار داد. آیین بودا با گذشت زمان از طریق مبادلات بازرگانی و مسیر جاده ی ابریشم به کشورهای شرق دور (چین - ژاپن و کره) منتقل شده و دور جدیدی از خلق آثار هنری با تأثیر از بودا در این کشورها آغاز می شود، که در جای خود از آنها صحبت خواهد شد. جدای از آثار بودایی، آثار زیادی در هند متعلق به آیین هندویی است. این آیین هم که از ادیان آریایی به شمار می رود به عنوان مهم ترین دین در هند هنوز رواج دارد. در آیین هندویی سه ایزد چرخش نظام هستی را به عهده دارند (خدایان تثلیث هندی) ۱. برهما: ایزد خالق کیهان، که آثار کم تری از این ایزد دیده می شود، چرا که نقش این خدا به عنوان خالق به اتمام رسیده است. و در اصل «معمار بازنشسته» است.



COMSTECH Inter-Islamic Network  
on Virtual Universities

Holding time: March 2021  
Avicenna International Community College LLC  
WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

۲. ویشنو: ایزد محافظ کائنات، مهم ترین خدا در پهنه ی فرهنگ هندوی - تجلی این خدا بارها به صورت انسان بر روی زمین جهت حفظ نظام هستی انجام شده است و آثار هنری نیز بیش تر به تجلیات مختلف زمینی این خدا اختصاص دارد.

۳. شیوا: ایزد نابودی، منشاء خیر و برکت - شفا دهنده - خدای رقص و... شمرده می شود و در اسطوره های هند و هنر هند نقش بسزایی دارد.

در پیکره سازی هند، تأثیر تمدن های بین النهرین، یونان و هنر بومی هند دیده می شود. (حسینی، ۱۳۸۸: ۴۸)

### خصوصیات هنر هند

هنر هند هنری مذهبی و براساس نیازها و دستورالعمل های مذهب بودایی و برهمنی است و نمادهای مذهبی را در قالب تندیس، نقاشی و ساخت معابد متجلی می کند. هدف هنرمند هندی ساخت یک اثر زیبا نیست، بلکه تجسم حقایق مذهبی و معنوی برای مومنان است. اغلب تندیس ها، شخصیت های مذهبی را در شکلی انسان گونه نشان می دهند، تا برای نیایشگر قابل فهم باشند. حجم قابل توجهی از تندیس های بودا در حالت های مختلف ایستاده و نشسته و تندیس های ایزدان مرد و زن و رقص های مذهبی، چشمگیرترین جلوه هنر هند است که در طول تاریخ هند، شیوه بیان هنری آنها تقریباً ثابت بوده است.

### هنر و تمدن اسلامی در هندوستان

سرزمین هند از جمله کشورهایی است که تمدن با سابقه ای داشته و وجود ادیان بودائی و هند و ... باعث شده بود انواع معابد و پرستشگاهها ساخته شده و به دلیل قرار گرفتن این کشور در مسیر جاده ابریشم، از روزگاران قدیم مورد توجه تجار و بازرگانان باشد. در این میان ایرانیان سهم زیادی در ارتباط با هندیان به خود اختصاص داده بودند به گونه ای که مطالعه ریشه های زبانی و فرهنگی هندیان، جای پای ایرانیان را به وضوح نشان می دهد. این نکته در دوره اسلامی نمود بیشتری پیدا می کند. نفوذ زبان فارسی در زمان با بریان در هند به اوج می رسد و در این دوره، زبان فارسی، زبان اصلی دربار محسوب شده و شاعران و ادیبان پارسی گوی به تعداد زیادی افزایش می یابد. زبان اردو که لبریز از واژه ها و لغات فارسی است، در نتیجه اختلاط زبانهای فارسی و هندی بوجود آمده است.

زبان و خط فارسی در هند چنان ریشه دوانده بود که شاعری چون اقبال لاهوری هم به فارسی و هم به هندی شعر می سروده است. نیز در نتیجه این روابط سبکی به نام هندی در تقسیم بندی شعر و ادب ایران بوجود آمد و اکثریت سراینندگان اشعار هندی (سبک هندی)، در هند اقامت داشته و تحت تأثیر آنها قرار گرفته اند. اولین حکومت اسلامی در هند توسط غزنویان





COMSTECH Inter-Islamic Network  
on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

ایجاد شد. سلطان محمود غزنوی در قرن پنجم به هند هجوم آورد و معبد بزرگ سومنات در گجرات در نزدیک بمبئی را ویران نمود. وی به علم و هنر علاقه داشت، به همین خاطر با ورودش به هند، نویسندگان و بزرگانی چون ابوریحان را با خود همراه کرد. ابوریحان تحقیقات و بررسی هایی که درباره فرهنگ، زبان، ادبیات، اعتقادات و آداب و رسوم هندیان انجام داده بود را در کتاب خود با نام تحقیق ماللهند جمع آوری کرد و فرخی سیستانی که در آثار خود از خاطرات سفر با سلطان محمود غزنوی و فتح سومنات سخن می گوید، از جمله کسانی است که همراه سلطان غزنوی مدتی در هند اقامت داشته است. بیشتر آثار مورد مطالعه غزنویان در افغانستان است و اطلاعات موجود بیشتر از طریق کتب و نگارشات است که توسط جهانگردان، شاعران، نویسندگان و محققان آن عهد مرقوم شده است. نسخ خطی دوره ی اسلامی هند اغلب به زبان فارسی و خط نستعلیق نوشته شده اند. پادشاهان مغول کتابخانه های عظیمی تأسیس کردند، به اهل قلم سفارش کتاب می دادند و سپس خوشنویسان و تذهیب کاران و نگارگران به تصویر و تزئین این کتاب ها می پرداختند خلق این آثار از یک سو به ترویج خط و زبان فارسی انجامید و از سوی دیگر زمینه را برای خلق آثار بدیع هنری در قالب خط، تذهیب و نقاشی فراهم نمود. دوران هنر اسلامی در تمدن هند در عهد شاه جهان به کمال خود رسید. در کتابت های مختلف قرآنی، سبک جدیدی از خوشنویسی پدید آمد. خطی به نام خط بیهارى به دلایل ناشناخته ای بدین اسم نامیده شده و شبیه خط کوفی مغربى و دارای حروف شکسته با سرگرد ضخیم و فضای باز در فاصله کلمات بود. این خط نخست در یک نسخه منحصر به فرد و تک جلدی قرآن (۲۴ در ۱۷ سانتیمتر) به کار رفته و قرآن را محمود شعبان کتابت کرده است. در هر برگ ۵۵۰ برگگی این نسخه آیات به عربی با خط بیهارى نوشته اند و در فواصل آن نیز با خط نسخ ترجمه فارسی آن را آورده اند. سر سوره ها و دو صفحه ای با نقوش گیاهی و گل و بته های به رنگ طلائی، سیاه، قرمز، قهوه ای، زرد، آبی و سفید تذهیب شده است. این نسخه در عین حال قدیمی ترین نسخه ای است که در شمال هند تولید شده است. (چترجی، ۱۳۸۹: ۸۰)

به طور کلی دوره اسلامی هند را می توان به دو بخش تقسیم کرد: یکی قبل از مغولها و دیگری مغولها. در دوره اول تأثیرپذیری در معماری و هنر، بیشتر تحت تأثیر هندیان بوده اما دوره بعد یعنی زمان مغولان باری، تأثیرات ایرانی هویدا است.

## غوریان

دومین سلسله اسلامی در هند، توسط ترکمن های غوری ایجاد شد. قطب الدین ایبک، سردار ترک به هند حمله و رشد و با شکستن حصار بزرگ لعل کوت، اقتدار خود را بر هند تثبیت کرد. سلطان قطب الدین به هنر و فرهنگ علاقمند بود و بناهای






COMSTech Inter-Islamic Network  
on Virtual Universities

Holding time: March 2021

Avicenna International Community College LLC

WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR

زیادی از خود به یادگار گذاشت. در دربار وی، شاعران و هنرمندان زیادی گرد آمده بودند. امیر خسرو دهلوی از شاعران معروف این عهد است که به طوطی هند معروف بود. در قلب افغانستان منطقه ای به نام غود وجود داشت که از همین نقطه، غوریان بر مناطق وسیعی از دریای خزر تا شمال هند دست یافتند. در دوره غوریان، ثبات اسلامی در هند بیشتر می شود. اگرچه در دوره های مختلف حکومت های اسلامی در هند، راجپوتها (حکومت هندی) در بخشی از مناطق هند حکومت می کردند. مسجد قوه الاسلام: که قطب الدین نیز نامیده می شود از شاهکارهای هنری غوریان ترکمن است. بیشتر شهرت این بنا به مناره بلند ۷۲/۵ متری آن است که در قسمت فوقانی بارکتری شده و در فواصل معینی، ایوانهای راهرو مانند باریکی به صورت حلقه های افقی در آن مناره مذکور پنج طبقه تعبیه شده و هر طبقه رو به بالا دارای قطر کمتری است و با شیارهای عمودی تزئین شده است و نیز با کتیبه های تزئینی و خطوط کوفی و نسخ زینت یافته است. خطوط بکار رفته در مناره و شمایل کلی آن، برج های ایرانی گنبد کاووس، برج مقبره ای مراغه، رادکان یزد و طغرل در شهر ری را به یاد می آورد. مسجد قوه الاسلام دارای گنبد بوده و به جای حجاری و نقاشی خدایان که ویژگی هند باستان را در معماری تشکیل می داده، کتیبه و علائم دینی اسلام نمود پیدا می کند.

اتفاق سنگ سرخ و مرمر از ویژگی های معماری هند است که در بیشتر بناها رعایت شده است. نیز ساخت مقصوره به صورت مشبک و با شیشه های قرمز و سنگ و مرمر رواج داشته است.

### نگاهی به تاریخ و فرهنگ و ادب در دوره بابریان (گورکانیان)

ظهیرالدین بابر از نوادگان امیر تیمور گورکانی با پشتیبانی شاه اسماعیل صفوی هند را به تصرف درآورد. وی با قدرتی هر چه تمامتر، سلسله بابریان یا گورکانیان هند را تأسیس نمود و پس از او نوادگان وی به ترتیب: همایون، اکبر، جهانگیر، شاه جهان و اورنگ زیب، علم حکومت هند را در دست گرفتند. ظهیرالدین دست پرورده ایران بود و پسر او همایون نیز بر اثر جنگی که توسط شیر شاه انجام گرفت، برای مدت پانزده سال به ایران صفوی پناهنده گردید و پس از آن با همکاری شاه طهماسب صفوی، سکان حکومت هند را مجدداً در دست گرفت. حضور پانزده ساله میون در دربار صفوی موجب آشنایی با شاعران، نویسندگان، محققان، دانشمندان، معماران، نقاشان و خوشنویسان گردید و پس از ورود به هند، خیل زیادی از قافله علم و ادب و هنر را با خود همراه کرد و تمدنی در هند بوجود آورد که سلسله بابریان را از نظر فرهنگی و هنری شهره آفاق نمود. دوره بابریان در هند، بزرگترین دوره اسلامی در این سرزمین محسوب



می شود. چون در عهد همایون و بعد از آن، صفویان به شعر و هنر کمتر توجه نشان می دادند، هنرمندان ایرانی و شاعران با توجه به آغوش باز همایون برای پذیرش آنها، وقت را غنیمت شمرده، بهند روی آوردند. در نتیجه شعر و هنر ایرانی در هند بسیار شکوفا شد. کلیم کاشانی، صائب تبریزی، عرفی شیرازی و ... از جمله آنها هستند. زمان پسر اکبر شاه یعنی جهانگیر به همین منوال ادامه پیدا کرد. فرهنگ جهانگیری که از کاملترین فرهنگهای فارسی بود، توسط میر جمال الدین حسین بن فخرالدین حسن انجوی شیرازی در زمان جهانگیر شاه نوشته شد. در دوره های بعد و سلطنت پادشاهانی چون شاه جهان، هنر و تمدن اسلامی به اوج رسیده و بناها و آثاری از آنها

به جای مانده است. در میان پادشاهان بابری و بخصوص قرن دهم، زمان اکبرشاه، مهمترین و طلائی ترین دوره فرهنگی اسلامی هند محسوب می شود. او قصد داشت در این دوره ادیان هندو و اسلامی را به هم نزدیک کرده و وحدتی میان جامعه پدید آورد. لذا در این

دوره مترجمانی زبردست سر برآوردند و کتب و متون هندی مثل مهابهاراتا، رامایانا، بهگودگیتا، آنها را ودا (آسارودا) و بانجاتانتر (کليلة و دمنه) را به فارسی ترجمه کردند. این روحیه پژوهشی در زمان نوه جهانگیرشاه و پسر شاه جهان یعنی دارا شکوه به اوج رسید.

او اعتقاد زیادی به نزدیکی عرفان هند و عرفان اسلامی داشت و کتاب سر اکبر که در حقیقت ترجمه پنجاه اوپانشاد است، در زمان دارا شکوه و در قرن یازده هجری انجام شد. دارا شکوه خود خوشنویس بود و زبان فارسی، عربی و هندی را خوب می دانست.

### شهرسازی و معماری بابرین با معرفی چند بنای ارزشمند از آنها

سه شهر مهم یعنی فتح پورسکری، اگزه و دهلی، مراکزی برای هنرمندان هند شد و انواع بناها به صورت هر چه تمامتر در این دوره ساخته شد. در فتح پورسکری می توان از مسجد جامع بزرگ آن و قصرهای امپراطور و قصرهای بارعام یاد کرد. شهر فتح پورسکری توسط اکبر شاه رد ۳۷ کیلومتری شهر آگره ساخته شد و در قرن دهم هجری پایتخت بابرین شد. بناهای مهم آگره، مقبره اعتمادالدوله و آرمگاه تاج محل است و در شهر دهلی، آثاری چون قصرهای امپراطوران مغول، مسجد بزرگ و مقبره صفدر جنگ قرار دارد.



آرامگاه تاج محل، آرامگاه شیر شاه، مقبره اعتمادالدوله، مقبره جهانگیر، مقبره اکبرشاه، مقبره همایون، مقبره اورنگ زیب، مسجد بگم، مقبره شرف النساء، تالار دیوان خاص، قلعه قرمز، قصر هوا محل، مسجد وزیر، مسجد جامع دهلی، مسجد لاهور، مسجد مروارید، مسجد جامع جانیور، مسجد اکبرآباد و ... از یادگارهایی است که خاطره هنر و تمدن اسلامی گورکانیان هند را به یاد می آورد.

در معماری این دوره هند، عناصری چون قوس شکسته و گنبدسازی از ایران تقلید شد اما در عین حال ابداعات و اجزائی را نیز خود در معماری بوجود آوردند، مانند ساختن ردیفهایی از گنبدهای کوچک بر سر درهای بزرگ بناها و کاربرد سنگ مرمر به صورت مشبک و کنده کاری شده درون بناها.

۱- **مقبره همایون:** بنا به روایت تاریخ، مرگ همایون غمناک بوده است. وی وقت رفتن به کتابخانه از پله ها سقوط کرده و جان می دهد. بعد از مرگ وی، مقبره ای برایش در کنار دهلی می سازند. نمای بنا را سنگهای قرمز با خاتمکاری مرمر سفید در برگرفته است. مقبره به سبک معماری هند، روی صفحه و در دو طبقه بصورت هشت ضلعی ساخته شده است. گنبد آن دو پوشش است که ایرانی بوده و از این زمان وارد هند می شود. این بنا قبل از تاج محل، اولین گنبد دو پوشش است.

۲- **مقبره شیر شاه:** در منطقه صصرام<sup>۴</sup> در وسط یک دریاچه قرار گرفته که با پلهای رابط ارتباط با آن میسر می شود. بنای هشت ضلعی مذکور دارای گنبد بوده و در پنج طبقه ساخته شده است. به رسم هندیها در این مقبره، تابوت در طبقه سوم قرار دارد. انواع تزئینات کاشی کاری بخصوص فیروزه ای به سبک ایرانی در این بنا بکار رفته است.

۳- **مقبره اکبر شاه:** در نزدیکی شهر اگره، به شکل مستطیل و بصورت پنج طبقه ساخته شده و با سنگهای قرمز، هرم وار بالا رفته است. این بنا مربوط به قرن دهم هجری و دارای ۳۰ متر ارتفاع است و سنگ قبر وی روی پشت بام بنا قرار دارد.

۴- **مقبره تاج محل:** ممتاز محل یا تاج محل دختر آصف خان یمین الدوله است. بنا روی صفحه ای قرار گرفته و بصورت هشت ضلعی است که گنبدی بزرگ روی آن زده شده است. ارتفاع رأس گنبد تا زمین حدود ۸۰ متر است. شکل گنبد پیاپی شکل و به سبک ایرانی است که گنبد سلطانیه را به یاد می آورد. در چهار سوی گنبد مناره هایی تعبیه شده و گنبدهای کوچکی اطراف گنبد اصلی را فرا گرفته اند. در جلوی بنا حیاطی بزرگ قرار دارد و استخری زیبا و وسیع در حیاط ایجاد شده است و درختان سرو در اطراف استخر،

<sup>4</sup> Sasram



طراوت و زیبایی بنا را تکمیل نموده است. در کاخهای صفویان ساخت چنین حیاطها و استخرهایی مشهود است مانند کاخ چهل ستون. ممتاز محل و همسرش شاه جهان در کنار هم در اتاقی هشت گوشه در مرکز بنا آرمیده اند. نور ملایمی که از پنجره های مشبک به درون

مقبره وارد می شود، اتاق را روشن می کند. پنجره های مشبک مرمرین با اسلیمی های متنوع و نقوش گل و گیاه آراسته شده است. آثار هنرمندان ایرانی چون امانت خان شیرازی در این بنا مشهود است. سنگ مرمر در این بنا استفاده اساسی و اصلی دارد به گونه ای که معماری زمان شاه جهان به معماری مرمر معروف است. بنای مذکور که در کنار رودخانه ساخته شده، بزرگترین گنبد هند را در خود جای داده است.

### چند ویژگی کلی از معماری اسلامی هند

۱. بناهای آلامی هند مانند مساجد و مقابر روی صفحه ها ساخته می شوند که سنتی قدیمی در هند است.
۲. گنبدها در معماری اسلامی هند معمولاً کوتاه است (بر خلاف گنبدهای مرتفع ایرانی) و مناره های بلندی دارند.
۳. در معماری اسلامی هند از کتیبه ها و خطوط مختلف بخصوص نسخ برای نقوش برجسته و حجاری استفاده می شود. در معماری قدیم هند نقوش برجسته و حجاری بیشتر در خدمت آموزش و روایت های مذهبی بوده است.
۴. بیشتر مصالح بناهای هند اسلامی را سنگهای قرمز و سفید تشکیل می دهد.
۵. آرامگاههای هندی بیشتر در میان باغ قرار دارد.
۶. اتاقی مخصوص برای مقبره، یک گنبد بزرگ و چندین گنبد کوچک در اطراف آن تعبیه شده است.
۷. مقابر اسلام هند معمولاً در چند طبقه ساخته شده تا علاوه بر آرامگاه بودن از دیگر جهات نیز مورد استفاده باشد.
۸. از کاشیکاری ایرانی فقط برای تزئین داخل بنا استفاده شده است.
۹. از موزائیکهای رنگی برای تزئین سطح دیوار بهره گرفته شده است.
۱۰. دوره بابریان (گورکانیان) مهمترین دوره از نظر تمدن، هنر و معماری در هند اسلامی است.

### نقاشی اسلامی در دوره بابریان (گورکانیان)

همایون نقاشان و هنرمندان زیادی از جمله عبدالصمد شیرازی و میر سیدعلی تبریزی را از ایران به هند آورد و همین هنرمندان که خدمات ارزنده ای به نقاشی و کتاب سازی آن عهد کردند، سبک مغولی هند را بوجود آوردند. آنها داستان مشهور امیر حمزه را مصور کردند. این کتاب حاوی ۱۴۰۰ نقاشی روی پارچه بود که در دوازده جلد تهیه شد. سبک نقاشی مغولی هند



ترکیبی از عناصر و نقوش ایرانی، هندی و اروپایی است. همایون به سبب خدمات ارزنده ای که این دو هنرمند داشتند، به خواجه عبدالصمد شیرازی لقب شیرین قلبم و به میر سید علی تبریزی لقب نادرالملک داد. در نقاشی های هندی بر خلاف ایران، پیکره ها فربه، جزئیات صحنه بیشتر و واقعی تر نقش می شود. کتاب خمسه نظامی مصور شده عبدالصمد شیرازی که در موزه بریتانیا نگهداری می شود از بارزترین نمونه های شکوفایی نقاشی در عصر اکبرشاه است. از دیگر کتابهای منقوش این عهد می توان اکبرنامه را نام برد که در حقیقت شرح حوادث زمان اکبرشاه است.

شیوه غربی یعنی بعد نمایی، پرداختن به جزئیات، تحرک، سایه پردازی و حجم نمائی در نقوش هندی رخنه کرده و بابران به تقلید از ایرانی ها، تصاویر را در شعر آورده و چندین بیت شعر به آن می افزودند. بعد از اکبرشاه و در زمان جهانگیر شاه چهره ها و پرتره، گلکهای مختلف و نقوش حیوانی رواج یافت و بدور چهره شاه و بزرگان به تقلید از اروپائی ها، هاله ای به دور سر کشیده شده و موضوعاتی درباری نظیر شنیدن موسیقی یا مباحثه با فرزندان توسط پادشاه مغولی نشان داده شد و در قرن بعد بیشتر تحت تأثیر غرب به خلق اثر پرداخته شد. از دیگر هنرهای زمان بابران پایه ماشه یا نقاشی لاکی است که در مناطق مختلف هند اسلامی معمول گردید. از نقاشان

زمان جهانگیر شاه می توان ابوالحسن نادرالزمان صورتساز و استاد منصور نقاش که نقوش حیوانی را به زیبایی ترسیم می کرد، محمد مراد سمرقندی و شفیع عباسی را نام برد. در زمان بابران هند، هندیهایی که تحت حکومت راجپوتها قرار داشتند، به صورت بومی و سنتی هنر نقاشی گذشته خود را ادامه دادند که در حقیقت بهره گیری از نقوشی چون نقاشی های غار آجانتاست و مفاهیمی شاعرانه و ادیبانه با نشأت گرفتن از اعتقادات و مقدسین خود مورد توجه قرار گرفت.

### منسوجات هند در دوران اسلامی

در دوره مغول بافت زری ابریشمی در هندوستان ترقی بسیار کرد. مراکز بافندگی بسیاری وجود داشت که معروف ترین آن ها لاهور و اورنگ آباد است. این زری های هندی که طرح ها و رنگ آمیزی مفصل دارد و طلا در آن ها زیاد به کار رفته برای لباس مردانه و زنانه استعمال می شد. «ساری ها» و «اودهنیسا»<sup>5</sup> و شال کمرهای زیبای هند از عالی ترین منسوجات دنیا به شمار می آید و چندین نمونه خوب از این ها در موزه متروپولین موجود است. گلدوزی و قلاب دوزی در هندوستان مرسوم بود و روی پارچه های نخی عمامه و جامعه و شال و بالش بکار می رفت. از نمونه های عالی گلدوزی دوره مغول در موزه متروپولین قطعه ای از جامعه درباری است که با بخیه زنجیری با گل و بته به رنگ سبز و قرمز گلدوزی شده است. مشهورترین منسوجات

<sup>5</sup> Oudhnis



هندوستان شال کشمیری است که از قرن هجدهم (دوازدهم هجری) به بعد بافته می شود. بعضی از آن ها دارای گلدوزی است و طرح های گل و مخروطی شکل که از اسلوب ایرانی اقتباس شده، دارند. دو طریقه تزئین پارچه از زمان قدیم در هندوستان رایج بوده. یکی مهر کردن پارچه با قطعات چوب است که نقوشی روی آن ها کنده شده و دیگری به وسیله رنگرزی است که در زمان مغول به منتها درجه ترقی خود رسید و با نقاشی ترکیب می شد. (پاکباز، ۱۳۷۰: ۶۰)

### قالیافی در دوره اسلامی (بابریان)

شماری از کارگاه ها که بخشی از بیوتات وسیع امپراتور بر شمرده می شد، منسوجات و ابزار آلات تجملی و قالی تولید می کردند. قالیافی از هنرهای بومی هند بود چون هوای گرم و مرطوب آن خامه پشمی قالی ها را از حیز انتفاع ساقط می کرد و از طرف دیگر نیازی به مفروش کردن کف خانه ها نبود؛ از این رو قالی بافی ایرانی و آسیای میانه فقط در زمان تیموریان هند وارد هند شد. نخستین تاریخ مستند از رواج قالیافی در هند از زمان اکبر است که به احتمال زیاد بافندگان را از هرات وارد هند کرده است. یکی از قدیمی ترین قالی های روزگار تیموریان هند، یک قالی با نقوشی از حیوانات با زمینه قرمز است. این قالی خشن که با تار نخی و پود پشمی بافته شده است در هر سانتیمتر مربع حدود شش گره دارد. این قالی به جای یک نقش کلی، از چندین نقش فراهم آمده و عناصر مختلفی چون پرند و پلنگ با چنگال های تهدید آمیز و چسبیده به اسلیمی را نشان می دهد. از شهرهای مختلف ایران چون جوشقاق، کرمان و سبزوار، بافندگان ماهری به هند رفته و در مهمترین شهرهای هند مثل آگرا، فاتح (فتح) پورسکری و لاهور برای بافت فرش مستقر شدند. یکی از این نمونه ها فرشی بافته شده از قرن دهم هجری است با طرح شکارگاه که از طرحهای رایج این دوره است و در موزه متروبولین نیویورک نگهداری می شود. (دیامند، ۱۱۵)

### جواهر سازی و مینا کاری در دوره هند اسلامی (گورکانیان)

ذوق و سلیقه فریبنده و همچنین سخاوت امپراطوران مغول باعث معروف شدن جواهرات هندی و تحسین آن ها برای قرن شده است. ارتش امپراطوری مغول ها تقریباً همه ی هند از جمله دکن را تصرف کرده بودند که برای اولین بار بعد از سال ها هند تحت کنترل یک پادشاهی متحد درآمد. ثبات اقتصادی و سیاسی، ذوق و سلیقه حاکمان مغولی و رابطه نزدیک آن ها با پادشاهان فارسی موجب تزریق یک حیات و دید جدید به صنعت هند شده بود. بنابراین طراحی عالی، کنترل خطی و ترکیب رنگ متعادل فارسی با فرم های پیچیده و نفس گیر جواهرسازان هندی ادغان شد. (Nigman, 1999:39) جهانگیر و شاه جهان دو امپراطور گورکانی بودند که علاقه





**COMSTECH Inter-Islamic Network  
on Virtual Universities**

*Holding time: March 2021*

**Avicenna International Community College LLC**

**WWW.ICLP.IR INFO@ICLP.IR**

بسیاری به استفاده از طلا و جواهرات داشتند. گورکانیان در قرار دادن و جایگذاری مهرها و سنگها بیشتر از سبک ایرانیان پیروی می کردند. در فرهنگ ایرانی مهره ها همانند سنگ های گرانبها دارای یک نماد بودند. بهترین سنگها متعلق به امپراتوران گورکانی بودند که عنوان و نام امپراتوران در دربارهایی که تحت نفوذ ایرانیان بودند حکاکی می شدند. در حقیقت حکاکی نام و لقب حاکمان مغولی روی سنگ ها برگرفته از سنت خاندان تیموری بود. مولانا ابراهیم حکاکی از یزد بود که آرایه های از نام امپراتوران را روی لعل جلالی حکاکی می کرد. جهانگیر شاه بیش از امپراتوران دیگر به دنبال مهره های نادر بود که از آنها در بازوبند و گردنبند و روی عمامه خود استفاده می کرد. (Strong, 2010: 164) در این دوره بنا به دلایلی از جمله عدم ثبات سیاسی و حمایت از هنرمندان و استقبال پادشاهان گورکانی از هنرمندان ایرانی و مقام و منزلتی که در دربارهای هند به هنرمندان داده می شد موجب مهاجرت بیشتر هنرمندان می شد. (نادری، ۱۳۹۴: ۱۴۱)

### نتیجه گیری

برخورد اسلام با فرهنگ کشورهای تازه تسخیر شده در طیفی از جنگ تا تعامل متغیر است. در مورد ورود اسلام به تمدن هند روایت های متفاوتی وجود دارد. برخی عقیده دارند اسلام از طریق حمایت نظامی و با زور شمشیر به شبه قاره هند راه پیدا کرده است؛ اما بسیاری از مورخان منصف بر این عقیده اند، اسلام، پیش از حمایت نظامی مسلمانان به شبه قاره هند این منطقه راه یافته بود که شواهد تاریخی نیز مدعای مورخین اخیر را اثبات می رساند. در این میان علاوه بر دین جدید که نگرشی تازه از زندگی و مرگ را پیش روی انسان هندی قرار می داد، نشانه هایی از فرهنگ واسطه اسلام و هند یعنی ایرانیان نیز، در هند به منصفه ظهور رسید. با عنایت و تفاوت دیدگاه اسلام با سایر ادیان بومی این کشور در موضوع نحوه ی برخورد با مسائل مربوط به وحدانیت و زندگی پس از مرگ، این عوامل بر هنر هند و هندو نیز بی تأثیر نبوده و سبب تغییراتی در پیدایش آثار هنری در این کشور شد. آنچه بررسی گردید، نمایانگر حضور روح هنر ایرانی در تمدن هند بود. حکومت های اسلامی هند در قرون ششم و هفتم میلادی تشکیل شدند. ویژگی مهم پادشاهان مسلمان؛ غیربومی بودن آنها است. به عنوان مثال: بابر، نواده تیمور، خاطره ی خوش باغ های سمرقند و کابل که در یادداشت هایش زبان به تحسین آنها گشوده، با خود به هند می برد و تلاش دارد در سرزمین جدید نیز آنها را ایجاد کند؛ سرزمینی که از نظر او بی نظم و بد آب و هواست.



## منابع

- پاکباز، روین، (۱۳۷۰)، دایرة المعارف هنر
- پرایس، کریستین، (۱۳۶۴)، «تاریخ هنر اسلامی»، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی
- چترجی، م.روی، آ(۱۳۸۹) «تاریخ فرهنگ و تمدن هند»، ترجمه رضا آقابابا دستجردی، چاپ اول، تهران: سبزان
- حسینی، سید رضا، (۱۳۴۸)، «هنر و معماری ایران و جهان»، تهران: مارلیک، چاپ دوم، ۱۳۸۸ اول، قم: مجمع ذخائر اسلامی - قم، ایران با همکاری مؤسسه تاریخ علم و فرهنگ
- لوبون، گوستاو، (۱۳۸۲)، «تمدن اسلام و عرب»، ترجمه: سید هاشم حسینی، تهران: دنیای کتاب
- نادری، (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر هنر ایرانی اسلامی (نقاشی-معماری) بر رشد و شکوفایی هنر در سرزمین هند با تاکید بر دوره گورکانیان هند» چاپ

- Brend, Barbara, Islamic Art, British Museum Libery, Third Edition, 1995
- Davies, Penelope J.E. Denny, Walter B.Hofrichter, Frima Fox. Jacobs, Josepj. Roberts, Ann M. Simon, David L. Janson's History of Art, Prentice Hall; 2007, Upper Saddle River, New Jersey. Severth Edition, ISBN 0-13-193455-4
- Nigman, M.L. 1999, Indian Jewellery. New Delhi: Roli Books.
- Thompson, Muhammad; Begum, Nasima. "Islamic Textile Art: Anomalies in Kilims". Salon du Tapis d'Orient. Turko Tek. Retrieved 25 August 2009.
- Strong, Susan. 2010. Made for Mughal emperors. London: I.B. Tauris
- Wijdan Ali, The Arab Contribution to Islamic Art: From the Seventh to the Fifteenth centries, American Univ in Cario Press, December 10 1999, ISBN 977-424-476-1